



لویش د کاموئش

زندگی پرماجرای شاعر بزرگ حماسه‌سرای پرتغال

نوشته واسکو گراسا مورا

را به ساحل رسانیده است.

پس از مراجعت به گوا مجدداً به زندان افکنده می‌شود. بعد از آزادی فاصله زمانی بین سالهای ۱۵۶۷ و ۱۵۶۹ را در موزامبیک گذرانیده، در سال ۱۵۷۰ در نهایت تنگدستی به پرتغال باز می‌گردد. بهر حال در آن زمان متن شعر حماسی او نوشته شده و در حقیقت آماده چاپ بود.

در سال ۱۵۷۲ لوزیاد (Os Lusíadas) را در لیسبون و سپس در سال ۱۵۷۶ نیز دو شعر کوتاه منتشر کرد. در سال ۱۵۷۲ شاه مقرر می‌نماید مختصری برای او تعیین کرد ولی بعدها کاموئش ناچار شد برای دریافت مقرر عقب افتاده‌اش درخواست کند. از زندگی او بعد از سالهای ۱۵۷۰ اطلاع بیشتری نداریم. بنظر می‌رسد که او هدف هجوهای نویسندگان درباری مورد توجه بوده که ممکن است نشان دهنده احساسات حسدآلود آنان نسبت به منزلت آثار وی و یا به جهت مقرر او باشد. بعد از آن، اگر بصورتی که تصور می‌رود شعر تفسیری منظوم عالی او در تفسیر ربور ۱۳۷ (در کنار آبهای بابل) را بعد از لوزیاد نوشته باشد، امکان دارد دوره‌ی متصوفانه و «توبه‌آمیز» را گذرانیده باشند. در سال ۱۵۷۴ نقدی کوتاه اما تحسین‌آمیز بقلم پرو دو ماگالانس گاندائو منتشر شد که نوشت: «اثر شاعر معروف، لویش د کاموئش را که شهرتش ابدی خواهد بود ملاحظه کنید».

مانه از تاریخ دقیق مرگ او (حدود سال ۱۵۷۹ یا ۱۵۸۰) خبر داریم و نه از محل دفن او در کلیسای سانتا آنا که در زلزله سال ۱۷۵۵ ویران شد. هیچ گونه دستنوشته‌ای از او باقی نمانده و حتی در دقیق بودن تصاویر باقی مانده از وی نیز، تردید است.

لوزیاد، در قرن شانزدهم دوبار بزبان اسپانیایی ترجمه شد و مجموعه‌ای از آثار منتشر نشده او و غزلهای او نیز بین سالهای ۱۵۹۵ و ۱۵۹۸ منتشر گردید. دو ویرایش دیگر از لوزیاد، یکی کاملاً تحریف شده در سال ۱۵۸۴ و دیگری در سال ۱۵۹۷ انتشار یافت. پس از آن زندگی کاموئش و آثار او به شدت مورد توجه قرار گرفت، که هنوز هم مورد توجه است، و کوشش‌هایی برای پرده برداشتن از اسرار زندگی وی بعمل آمد.

کاموئش در اواخر دوره توسعه پرتغال زندگی می‌کرد، دوره‌ی که کشورش بر لبه پرتگاه سقوط و فروپاشی سیاسی قرار داشت. مرگ او یکی دو سال پس از مرگ الکازار کوئیویر در سال ۱۵۷۸، کم و بیش همزمان با نابودی استقلال پرتغال و سلطه اسپانیا



تصویر فوق احتمالاً از بین پرتوهای باقی مانده از کاموئش شبیه‌ترین تصویر به او است. این تصویر نسخه‌ای است از اثر گمشده فرنان گومش، نقاش معاصر کاموئش.

چشم راست خود را نیز در آنجا از دست داده است. او در سال ۱۵۵۲، به علت شرکت در یک دوشل، چند ماهی را در زندان لیسبون گذرانید و پس از آزادی، در بهار سال ۱۵۵۳، طبق قوانین آنزمان، برای خدمتی سه ساله با کشتی عازم هندوستان شد. طی مدت اقامت در هندوستان در تعدادی از مأموریت‌های نظامی شرکت داشت. بین سالهای ۱۵۵۶ و ۱۵۵۸، احتمالاً با سمت سربازی که مسؤول امور افراد قوت شده طی سفر بود، به خاور دور اعزام شده است. دقیقاً معلوم نیست که در زمان رفتن و یا هنگام مراجعت وی کشتی در دهانه رود مکینگ غرق شده و او شنا کنان فقط با در دست داشتن نسخه دستنویس شعرش، خود

اطلاعات موجود در باره زندگی کاموئش را می‌توان در چند خط خلاصه کرد. احتمالاً در سال ۱۵۲۵ در لیسبون متولد شده، ولی یقینی بر آن نیست. در باره تحصیلاتش و اینکه کجا تحصیل کرده (احتمالاً در کویمبرا) اطلاعاتی موجود نیست و در باره زندگی وی تا قبل از شروع مسافرتش به شرق نیز هیچ نمی‌دانیم.

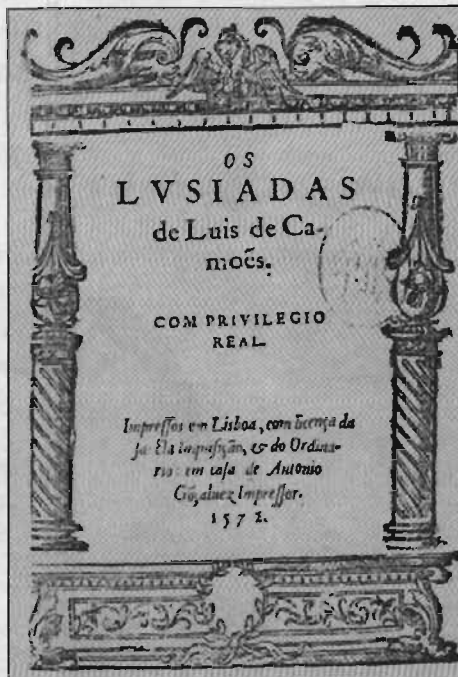
در نوشته‌هایش اشاراتی معدود در باره شرح حال وی می‌توان پیدا کرد. مثلاً بنظر می‌رسد زندگی عشقی پرماجرای داشته و احتمالاً به همین جهت در جوانی از دربار تبعید شده است. حدود سالهای ۱۵۴۷ یا ۱۵۴۸ در سبته مراکش در خدمت سربازی بوده و

دوران برانگیختگی

مسافرت‌های اکتشافی راه‌های جدید و غالباً متضادی برای تفکر گشود و افق‌های نوین و گاهی خیره کننده در برابر چشمان افرادی قرار داد که آمادگی پرداختن به ماجراجویی و سرمایه‌گذاری، آزمایش نیروی اراده و شهامت، پرداختن به کنجکاوی، ثروت اندوزی، سفرهای پرخطر و تن دادن به قضا و قدر داشتند. زمان افراد را برای داشتن زندگی برجسته‌ای برمی‌انگیخت آنهم در دوره‌ای که در آن روشن‌بین‌ترین افراد اعمال مخاطره‌آمیز و بی‌باکانه پرتغالی‌ها را به صورت شکلی از توسعه اروپا می‌دیدند و به آن لقب متداول تبلیغ دین مسیح می‌دادند، حتی اگر این افراد مانند کاموئش از اشتقاق مسیحیان انتقاد می‌کردند و می‌خواستند پرتغالی‌ها بالاترین نقش نمایندگی کاتولیک‌ها را در خارج از اروپا داشته باشند. کاموئش بدون اغراق شاعر نظام ارزش‌های مناسب برای فرهنگ اروپایی و تمدن عصر خود بود.

ایدئولوژی حاکم بر تأثیر جهانی اکتشافات پرتغالی‌ها کاملاً ارج گذاشت، آنها را مقایسه کرد و متوجه شد که برتر از اکتشافات افسانه‌ای قهرمانان کلاسیک است و بر آن شد که آنها را در شکلی کلاسیک در قالب اشعار حماسی شنیده، تحسین کند. مسافرت بارتولومو دیاش به دور دماغه امیدنیک در سال ۱۴۸۸، چهار سال پیش از مسافرت کریستف کلمب، انقلابی در مفاهیم جغرافیایی بوجود آورد و طلیمه عصری جدید را نوید داد. ده سال بعد سفر واسکو دوگاما، به تغییر شکل تمدن اروپا و تاریخ دنیا کمک بزرگی کرد. در دهه‌های بعد پرتغالی‌ها

منظره‌ای از لیسبون در قرن شانزدهم در اطلس بزرگ شهرهای دنیا که جرج براون و فرانس هوگنبرگ در ۱۵۷۷ آن را منتشر کردند.



OS LUSIADAS DE LUIS DE CAMÕES.

Canto primeiro.

As armas, & os ba-
rões afonizados,
Que da Occidental praya Lusita-
na,
Por mares nunca de antes nua
negados,
Passaram, ainda alem da Taprobana,
Em perigo, & guerras esferzadas,
Mais do que prometta a força humana.
Entre gente remota edificação
Novo Reino, que tanto sublimarão.

E tambem as memorias gloriosas
Daquelle Reis, que forão dilatando
ad fee, o Imperio, & as terras diversas
De Africa, & de Asia andarão desavando,
E aquelles que por obras valerosas
Se vão do ley da Morte libertando,
Fazendo o palmario por toda parte,
Se a tanto me ajudar o engenho & arte.

تصویری از اولین صفحات چاپ اول لوزیاد که در سال ۱۵۷۲ در لیسبون منتشر شد. این کتاب اکنون در کتابخانه ملی لیسبون نگهداری می‌شود.

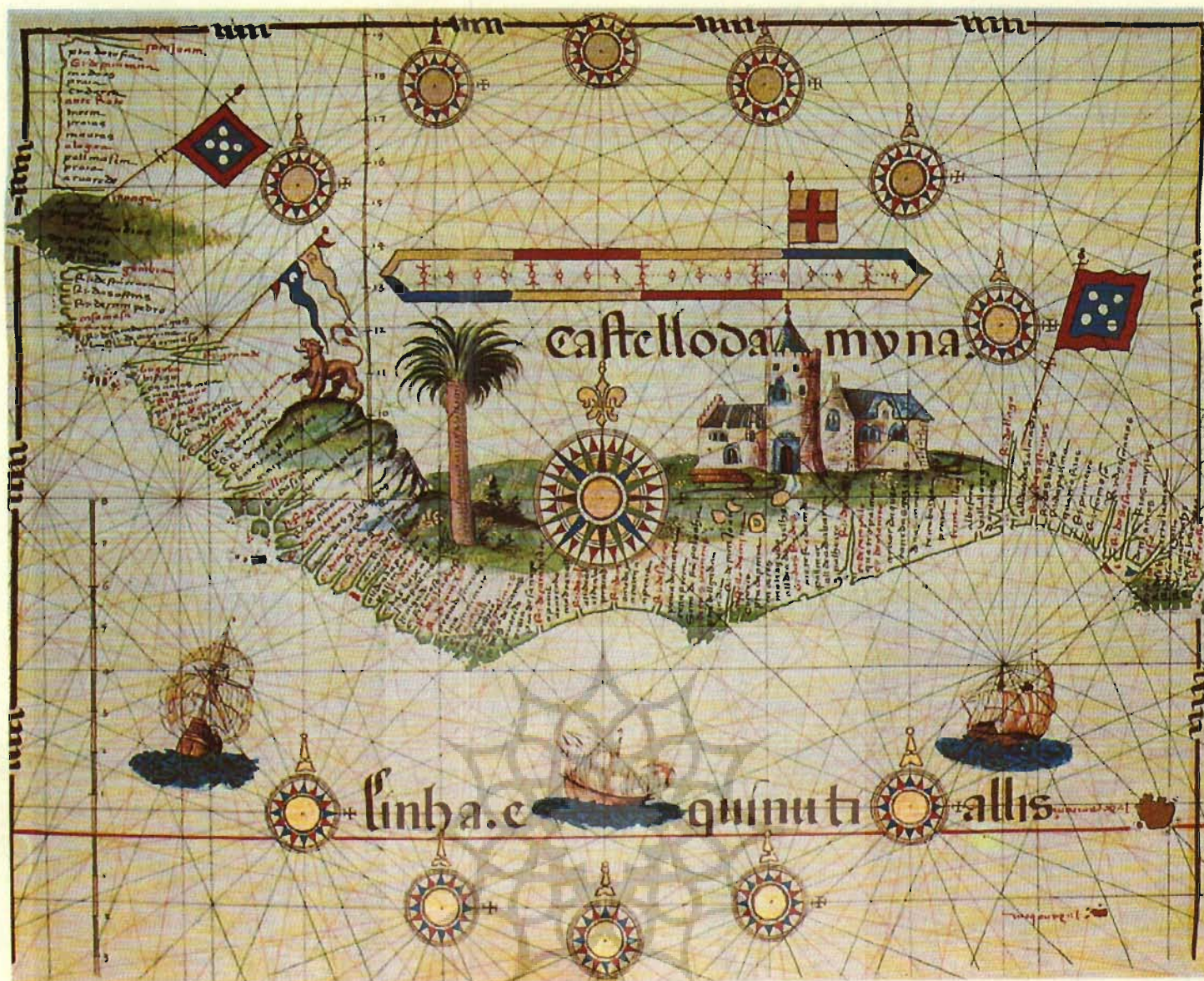
کسب درآمد آسان، تغییر در الگوی مصرف و تخلیه مناطق کشور به سبب جاذبه‌های ایجاد شده در اثر زندگانی تجاری در پایتخت و یا آنسوی دریاها نیز گردید.

علم نیز بنوبه خود متوجه جنبه‌های کمی جهان شد و انتقاد از اطلاعات تجربی بدون پایه عملی و تأکید بر تجربیات و عقاید جدید که سعی بر بطلان عقاید قدیم داشت، آغاز گردید.

بر آن، که تا سال ۱۶۴۰ ادامه یافت، روی داد. با وجود این کاموئش در دوره‌ای از فعالیت‌های معنوی زندگی کرد که مقامی خاص در تاریخ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پرتغال و جهان دارد.

ارزش‌های تعالی یافته در اثر نوع دوستی رنسانس کلاسیک در اواخر قرن پانزدهم از ایتالیا سرچشمه گرفت و در سراسر دنیا گسترش پیدا کرد و با تعلیمات اومانیستی اراسموس هلندی و با بحث‌های متعدد و تعارضات انگیزه شده بر اثر نهضت اصلاحات مذهبی و یکپارچگی روزافزون قدرت مرکزی از لحاظ عملی و نظری در هم‌آمیخت. اکتشافات جغرافیایی انبوهی اطلاعات جدید در باره اندازه و صورت واقعی خشکی‌های دنیا با خود به ارمغان آوردند و منجر به اختلاط با بسیاری از ملل دیگر و تماس فرهنگ‌ها و تمدن‌های بسیاری با یکدیگر شدند. فرآورده‌هایی که مدتها مورد آرزو بود و منابع جدید ثروت همه روزه به بتادر اروپا می‌رسید، اسرار کرة خاکی بتدریج گشوده می‌شد و انتشار اطلاعات چاپ شده رو به افزایش می‌نهاد.

این تحركات احساسی از ناآرامی روزافزون با خود به همراه آورد که در هنرها با انتقال از دوره کلاسیک به سبک گزینی، در سیاست با دیکتاتوری رو به تزاید و در زندگی شهری و فکری با سانسور و خود سانسوری در نتیجه با جویی و پنهان کردن افکار غیر معمولی و ترس منعکس می‌شد. این امر در عین حال منجر به تغییرات سریعی در آداب، دیدگاه‌ها و ساختار اجتماعی، حصر و طمع و ابداع راه‌های







Trallus archais:

Parte d'alla.

Oceanus
occidentalis

Castro del Rey de portugall

has antilhas del Rey de castella

Este he o nome do castello e portugall

Os montes d'auos em affrica

Sao luo

Castello d'auos

da dita ilha he o nome do castello e portugall

A ilha d'auos

Capitulos capitoni

Mar oceano

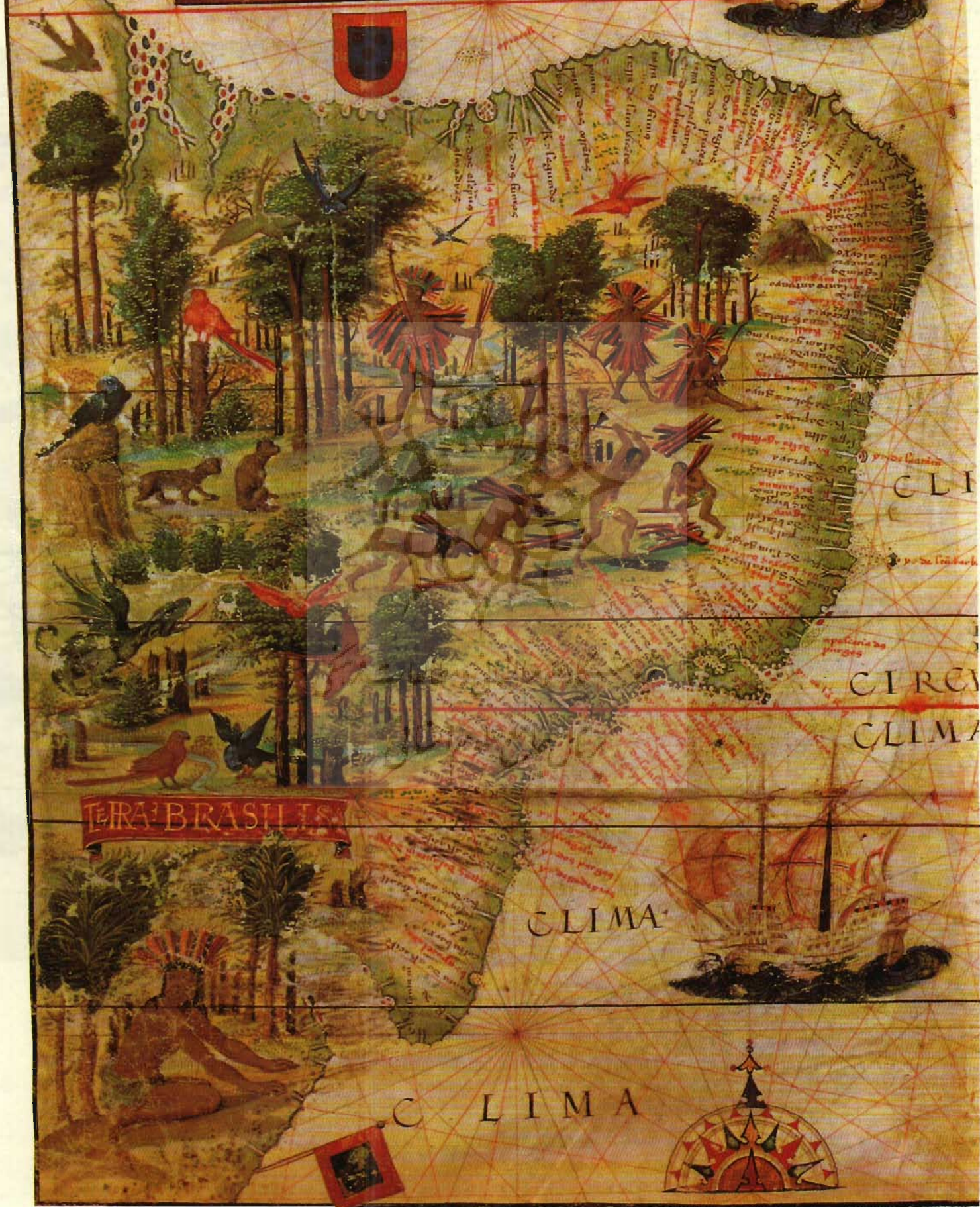
Sollus antarchais

Tabula hec Regionis magni brasiliis est: et ad partem occidentalem
 Antillas castelle regis obtinet. Hinc uero eius interuentus coloris.
 terra et inmanissima caribus humanis uelutur. Hec eadem gentes
 et sagittis egregie uirtutis. Hic phytas uelut diuersas aliosq; innumere
 ues ferat monstruose. et seminari plura genera reperiuntur plu-
 rimaq; arbor nascitur que brasili nuncupata uelutis purpureo colo-
 re tingendis opportuna censetur.

CIRCV

LV

S. C.



TERRA BRASILIENSIS

CLIMA

C L I M A

CIRCV

CLIMA



مایه خشکیدن نبوغ

سرزمین من

بهایی به آوازم نمی‌دهد.

به اجبار در پی گناهان رشک‌آلود

در پی خشونت، می‌دود...

غوطه‌ور در اندوهی عظیم.

لوزیاد ۱۰، ۱۴۵.

این عقاید شدیداً متناقض بارها در ساختار پیچیده

شعری او تکرار می‌شود، شعری که در آن ارتباط

نمادین سطوح مختلف مفاهیم، نمایانگر شاهکار تکان

دهنده و ابداعی «مهندسی ادبی» است.

بدین‌طریق روایت کاموش از اکتشافات

پرتغالی‌ها، بر پایه ارتباط منحصر بفردی که او مابین

فرهنگ مرسوم کلاسیک یونانی - رومی بیان شده در

فرم‌های ادبی وارده از ایتالیا و تجدید حیات زبان ادبی

در جهت گردش عقربه‌های ساعت از بالا به پائین: صفحات

اول روایت اسپانیایی لوزیاد چاپ سال ۱۵۸۰ و جاب‌های

اول آن به‌زبان انگلیسی (۱۶۵۵)، ایتالیایی (۱۶۵۸)،

فرانسوی (۱۷۵۳) و آلمانی (۱۷۷۷).

در دریا، به هنگام توفانی سخت، به هنگام تسلط اندوه،

مرگ در کمین است!

در ساحل، چنان مبارزه‌ای، چنان قصد سویی،

که نیاز کشنده است!

انسان ناتوان چگونه از حوادث صعب بگریزد

و بلا را از زندگی کوتاهش بگرداند

کجا را پیدا کند که در آن آسمانهای آرام

برابر موجودی ضعیف و آفریده شده از خاک

صف‌آرایی نکنند و سلاح برنگیرند؟

لوزیاد ۱، ۱۰۶

با وجود این درون کاموش کشمکش مشابهی

مابین غرور ملی او و انتقاد شدید و گزنده او از

حقیقت وجود انسان موجود است که در باب آن چنین

می‌سراید:

افسوس ای قریحه من! افسوس!

چنگم ناموزون و صدایم گرفته

نه از سرودن...

از خواندن،

بر مردمی ظالم و ناشنوا...

مسافرت‌های مهم دیگری انجام دادند، ولی اثری خلاق

و هنری در تحسین این اقدامات متهورانه که مسؤول

این تغییرات گسترده بودند بوجود نیامد.

شاعر زمان خود

کاموش در چنین دوره‌ای زیست و اثر حماسی و

تغزلی خود را سرود. اثری که در آن انبوه عناصر

متضاد گرد هم آمده‌اند. سنت و نوآوری،

افلاطون‌گرایی و ارسطوگرایی، علم و جهل، اسطوره

و مسیحیت، ظلم و ترحم، آرزوی فتوالیسم و مفهوم

کشوری مدرن، احساس نظم و بی‌نظمی، شادی و غم،

رسانس و آداب‌گرایی. درون کاموش کشمکشی بین

انسان، در مفهوم موجودی «بست و آفریده شده از

خاک» و شکوه و عظمت دستاوردهای جهانی همین

«انسان»، بین موجود ظریف و شکننده‌ای که با یاری

خدا و یا با شجاعت و بی‌باکی خود بر موانع غلبه

می‌کند و همه مخاطراتی که در صورت بازیچه شدن

وی در دست نیروهای مرموز طبیعت، تقدیر یا

سرنوشت، بر وی عارض می‌شود، در جریان است.

صفحات رنگی

صفحه ۱۹، بالا

شاه ژان دوم، شاه پرتغال در سال ۱۴۸۲ در تلاش

انحصاری کردن تجارت طلا، فرمان ساختن قصر المینارا

در محلی که اکنون ساحل غنا است صادر کرد. تصویر

استحکاماتی را که در نقشه نشان داده است ژان فریر در

سال ۱۵۴۶ کشیده است.

پایین: دریا و اسرار ابدی آن همیشه برای پرتغالی‌ها

برجذب‌ه بوده است. تابلوی حوری دریایی اثر نقاش پرتغالی

وی پیرا داسیلوا (متولد ۱۹۰۸) است. حوری دریایی

انتخابی به‌شکل کاراول (نوعی گشتی که در مسافرت‌های

دریایی اکتشافی از آن زیاد استفاده می‌کردند) به‌خود

گرفته است و اشعاری از لوزیاد کاموش زینت‌بخش

اطراف آن است.

صفحات وسط:

نقشه معروف به نقشه آلبرتو کانتینو، اثر نقشه‌کشی گمنام،

به‌عنوان قدیمی‌ترین نقشه جهان‌نمای پرتغالی معروفیتی

جهانی دارد. در این نقشه اروپای مدیترانه‌ای و آفریقا،

بانهام مناطق شرق و خاور دور در غرب و ماسپلک

اسپانیا در آمریکای مرکزی و سرزمین نیوفاندلند در شمال

و قسمتهایی از برزیل در جنوب نشان داده شده است.

صفحه ۲۲

نقشه برزیل اثر لوپه‌ووم رینتز که سرزمین برزیل را

برای اولین بار بصورت سرزمینی یکپارچه نشان می‌دهد.

تصاویر سرخپوستان و گیاهان محلی این نقشه را که

بخشی از اطلس میسر، یکی از نفیس‌ترین گنجینه‌های

تاریخ نقشه‌کشی است، زینت می‌دهد.



و وقایع تاریخی زمان خود و بویژه اطلاعات گردآوری شده درباره مسافرت‌های عظیم دریایی، ایجاد کرده است، قرار می‌گیرد.

کاموش از حماسه بطریقی جدید استفاده کرد، به نحوی که مناطق حقیقی و افسانه‌ای، زمان حقیقی و معاصر و زمان مطلق یا اسطوره‌ای، وقایع تاریخی و قضا و قدر و افلاک همگی به خوبی در هم آمیختند و با یکدیگر عجین شدند. حتی قهرمانی که در حماسه‌های باستانی متداول، تجسم همه مردم است، در اینجا فقط نمایاننده واسکودوگامانیست، بلکه تمامی آنهایی را که بر «عرشه کشتی برتغالی که خدای جنگ و الهه دریا در برابر آن باطاعت سر خم کرده‌اند» می‌نمایاند. به این افراد سلسله‌ای از حوادث، حقایق، اعمال انفرادی و جمعی ارتباط دارد که از مسیر تاریخ پرتغال جدا شدنی نیست.

کاموش با دیدی کلاسیک در زندگی و ادبیات، وقایع تکان دهنده دنیا را در عصر خود نظاره کرد، جاذبه جاهلیت را با عقاید مسیحیت در آمیخت و در حقیقت با اقدامی شجاعانه و تحسین‌آمیز سرچشمه داستانهای خود را به حوزة عمل خدایان جاهلیت که سمبل نیروهای طبیعت بوده، بعضی مهربان و برخی نسبت به اعمال مستهوانه پرتغالی‌ها خصومت می‌ورزیدند، منتقل کرد.

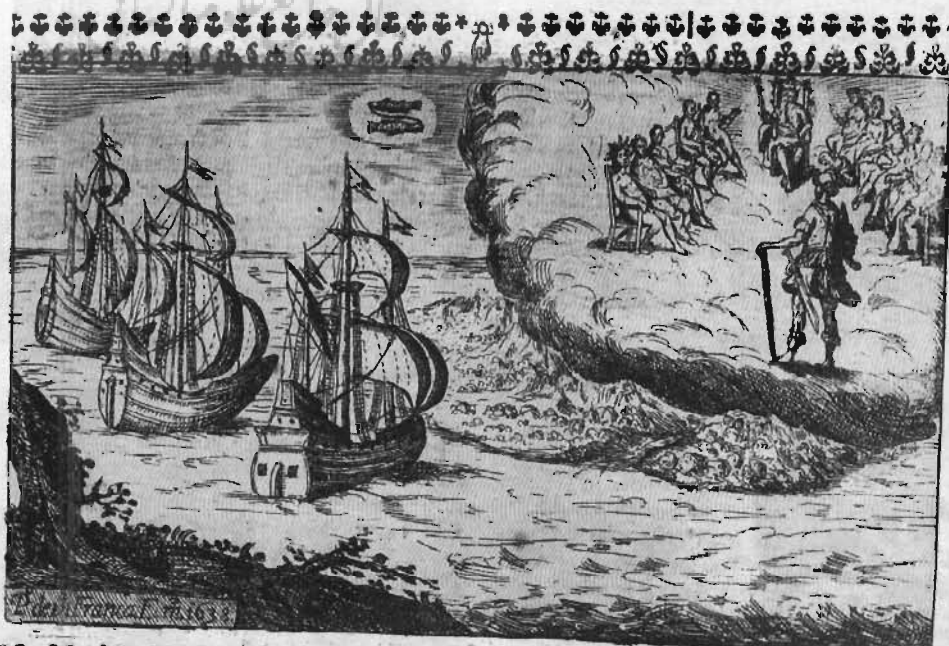
با اینهمه در همان زمان او شاهد انقلابی جهانی در عصر خود با دیدی جدید بود، که به او قدرت نفی الگوهای قدیمی و ایجاد موازنه‌ای بین آنچه نبوغش می‌توانست از آنها برداشت کند و خواست زمانه‌اش مبنی بر معرفی و پرداخت آنها به روشی ابداعی و حقیقی بخشید. هدف او قرار دادن واقعیت ملموس وقایع تاریخی و اکتشافات جدید در برابر ویژگی

افسانه‌ای حماسه‌های باستانی بود تا با این عمل بر نقش پرتغال در کشف دنیا تاکید کند: «... اگر دنیاها دیگری هم وجود داشته باشند، آنها به آن خواهند رسید...»

او انقلاب عصر خود را از دیدگاه زمین‌محوری ساختار جهان آن عصر بوضوح مشاهده کرد و این امر او را قادر ساخت که یکی از مهیج‌ترین بخش‌های حماسه خود را بسازد. در این بخش ملوانان



دو تصویر از یکی از چاپ‌های لوزیاد که در سال ۱۶۳۹ در مادرید منتشر شده است. بالا پرتره واسکودوگاما قهرمان حماسه کاموش و در زیر شورای خدایان، یکی از داستانهای این شعر حماسی.



دو تصویر از یکی از چاپ‌های لوزیاد که در سال ۱۶۳۹ در مادرید منتشر شده است. بالا پرتره واسکودوگاما قهرمان حماسه کاموش و در زیر شورای خدایان، یکی از داستانهای این شعر حماسی.

واسکودوگاما به جزیره عشق می‌رسند و الهه تیس به آنها خوش آمد می‌گوید و ناخدا اجازه می‌یابد بر «ماشین جهان» نگاه کند و آینده را از دید نجومی خلقت و پیدایش عالم وجود ببیند، که این خود نقطه اوج ستایش و عشق، و پاداشی است که برای قهرمانان ذخیره شده است.

این دستگاه عظیم اثیری و عنصری جهانی را که برابر چشمان توست،

آدمی با دانش ژرف خود،

که آغازی، انجامی و مرزی ندارد،

توانست دریابد.

اما... آنکه، در آن جایگاه...

در ابدیت جای گرفته،

و تمامی کرات صیقل یافته بر گرداگرد اویند...

خداست!

و کسی توان درک او ندارد،

چون دانش آدمی به آن رسیدن نتواند.

لوزیاد، ۱۰، ۸۰

انری دائرةالمعارف‌گونه

از آنجائیکه کاموش درباره حقایق می‌سرود نه درباره «اکتشافات تخیلی، بیهوده و فریب دهنده»، اهمیت فوق‌العاده‌ای برای روایات تاریخی و توصیف مشاهدات شهود معتبر سفرهای واسکودوگاما و دریانوردان دیگر، جزئیات دریانوردی، تکنولوژی، تقویم، سیستم‌های باد، آب و هوا، پدیده‌های طبیعی، مردم و آداب و رسوم آنان و صحت جنبه‌های دیگر تاریخ پرتغال قائل بود.

بدین طریق لوزیاد علاوه بر محاسن غیر قابل وصف ادبی و ظرافت شعری، نوعی دائرةالمعارف و یا خلاصه‌ای از دانش موجود تئوری و عملی عصر شاعر خود است. لوزیاد حاوی اطلاعاتی درباره تاریخ و جغرافی، مردم‌شناسی، تکنولوژی و علوم - از گلهای گیاهان گرفته تا نجوم - و مخصوصاً اطلاعات گردآوری شده در طی مسافرت‌های اقیانوسی و اکتشافات است. حتی زمانی که کاموش در لوزیاد به پدیده‌هایی طبیعی چون گردبادهای دریایی و آتش‌سوزی سان الموا اشاره می‌کند، می‌توان تصور کرد که این اشاره به این جهت است که زان دو کاسترو (۱۵۰۰ - ۱۵۴۸)، دریانورد پرتغالی، که کمک‌های بزرگی به علم دریانوردی کرده است، درباره آن نگاشته است.

تقریباً هر زمان که او مردم، مناظر، جغرافیا و ویژگیهای اسرارآمیز آفریقا یا مشرق زمین و یا وقایع مسافرت واسکو دوگاما را توصیف می‌کند، توصیفات



او را باز می‌نماید. او که در نویسندگی نیز همانند شمشیرزنی مهارت دارد، بشدت از فراموش‌شدگی و قربانی بی‌عدالتی شدن می‌نالند. او حادثه‌کنشی شکستگی و نجات خود را ذکر می‌کند، از شکست‌های عشقی خود، که آنها را در قالب چهره زیون آداماستور غول‌پیکر و مجازات اله‌ها بذلت لئونارد ریسروی سرباز در جزیره عشق مجسم می‌کند، فریاد می‌زند. او از نبوغ و قابلیت‌ها و آمادگی‌ها برای ترانه‌سرایی درباره شکوه و جلال حال و آینده سرزمین اجدادش آگاه است.

مجموعه آثار کاموش با صدها غزل، نامه و نمایشنامه‌هایش، تضادهای موجود در نهاد مردمی را که بین آرزوی مطلوب و احساس بیهودگی کامل و آشفته‌گی دنیا، بین تأیید آموزش آزادی انسان و احساس خشم از بازیچه دست سرنوشت بودن، بین حضور دائمی غم و فرار لحظات زودگذر زندگی و شادی دست و پا می‌زند، بتصویر می‌کشد. تضاد نهایی تضاد بدی‌های زمان حال و خوبی‌های زمان گذشته است که الهام‌بخش جگر سوزترین بخش‌های اثر کاموش است.



دو افریقایی از دماغه امیدنیک. این تصویر و تصاویر صفحات ۳۰ و ۳۳ از نسخه‌ای خطی مربوط به اواسط قرن شانزدهم در یک نقاشی هند و پرتغالی ناشناس است و سیاهان افریقایی را که پرتغالی‌ها در مسافرت‌های خود با آنها آشنا شدند نشان می‌دهد. این نسخه در کتابخانه کازانتزه در رم نگهداری می‌شود.

در برابر خدا،
تجارت گالای مازاد،
بین کشور ما و تو صورت می‌گیرد،
و بدین‌طریق ثروت...
و خیلی چیزهای دیگر
(که افراد برای کسب آن زحمت کشیده عرق می‌ریزند)
به سرزمین تو سرازیر خواهد شد.

پس از آن شکوه او بیشتر و ثروت تو انبوه‌تر خواهد شد.
لوزیاد ۷، ۶۲

بدین‌صورت او دیده تجارت بین مردم مناطق دور دست با یکدیگر را بعنوان منبع کسب ثروت و فراوانی و سود و عظمت رواج می‌دهد. دیدگاه کاموش در اینجا نیز کاملاً موضوعی است، چون مهارت و حرمت کسب ثروت بوسیله تجارت بر اساس مبادله را (ضمن جستجو برای قرار دادن قیودی اخلاقی برای آن) می‌ستاید. واسکو دوگاما ثبات و پایداری به اوامر شاه را که با بنیانگذاری یکی از شبکه‌های بزرگ تجارتنی دنیا در آن زمان، یکی از بازرگانان بزرگ شد، نشان داد.

زندگی کاموش به تمام معنی پرحادثه است. هفده سال تمام زیر و بم مسافرت به‌هند را آزمود، به جنگ رفت، به خاور دور مسافرت کرد و طعم تبعید و مخالفت و مورد غضب واقع شدن و رنج و ناامیدی را چشید. خلاصه او بهایی گزاف برای اکتشافات عظیم پرداخت.

برخی از موضوعات لوزیاد نشانه‌هایی از تجارب

خود را بر اساس وقایع نامه، سفرنامه و یا سندی دیگر بیان می‌کند تا به صحت کامل روایات همراه با اسطوره‌های آنها دسترسی یابد.

کاموش بعنوان شاعر اکتشافات، حماسه‌ها و انسان جدید، دو انگیزه موجود در پس گشایش دریاهای را نادیده نگرفته است - که یکی از آنها تبلیغ دین بود. این تبلیغ فقط بعنوان حرکتی مذهبی در برابر تهدید عثمانی‌ها نسبت به پیشروی در شرق اروپا صورت نمی‌گرفت، بلکه نقطه شروعی برای انتشار فرهنگ اروپایی بود. انگیزه دیگر بر پا کردن سیستمی تجاری به مقیاسی جهانی برای استفاده همه مردم بود. کاموش از نظر عصر خود شاعری اروپایی بود، چون میراثی فرهنگی را که قرن‌ها قدمت داشت اعتلا بخشید، مورد استفاده قرار داد و مجدداً آفرید. از نظر جهانی، ژئوپولیتیکی و اقتصادی نیز شاعری اروپایی بود که با رشته‌هایی از همبستگی و علائق، اروپا را از دیگر نقاط متمایز ساخت.

باین جهت است که کاموش سفر واسکو دوگاما را فقط برای اکتشافی «در جهت اثبات شکوه و عظمت خداوند» نمی‌بیند، بلکه در عین حال به آن صورت اقدامی متهورانه برای تجارت مینگرد که در نتیجه آن دریانورد به فرماندار کالیکوت پیشنهاد شرکت در تجارت صلح‌آمیز به نفع شاه پرتغال و کالیکوت می‌دهد:

و اگر مایل باشی...

با عقد پیمان و قرار دوستی،

واسکو گراسامورا، نویسنده‌ای پرتغالی است که بررسی‌هایی درباره کاموش منتشر کرده است. جدیدترین آنها تخته سنگ و مار و مقالات دیگر درباره کاموش (۱۹۸۷) است. در حال حاضر عضو هیات ملی بزرگداشت اکتشافات پرتغال و نماینده این کشور در نمایشگاه جهانی سویل است که در ۱۹۹۲ برگزار خواهد شد.